پیشنهاد مجید نصیرپور، نماینده ادوار مجلس به قالیباف

نمایندگان باید نسبت به تصمیمات خود پاسخ‌گو شوند

شرق: نایب‌رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس هشتم گفته نمایندگانی که به وزرا رأی اعتماد می‌دهند، یا نسبت به عملکرد آنها شناخت دارند یا ندارند، اگر شناخت دارند که باید فرصت لازم را به آنها بدهند و قبل از یک‌سالگی آنها را به استیضاح نکشانند، اما اگر شناختی ندارند و رأی اعتماد می‌دهند، باید نسبت به این تصمیم غلط خود پاسخ‌گو باشند. او دراین‌باره از قالیباف خواست راهکاری برای پاسخ‌گوکردن نمایندگان نسبت به تصمیمات غلط خود پیدا کند. مجید نصیرپور، نماینده ادوار مجلس، درباره تلاش برخی نمایندگان برای استیضاح وزرای ضعیف دولت سیزدهم به‌ویژه وزیر صمت به «شرق» گفت: «استیضاح یکی از ابزارهای نظارتی مجلس است که ریشه در قانون اساسی دارد و از اختیارات بسیار مؤثر نهاد قانون‌گذاری است». او استیضاح را حق نمایندگان دانست و درعین‌حال افزود: «وقتی به قانون اساسی و قانون آیین‌نامه داخلی توجه می‌کنیم، در ذات استیضاح یک اختیاری گذاشته شده است با این عبارت که نمایندگان «می‌توانند» وزیری را مورد استیضاح قرار دهند! یعنی هیچ «اجباری» در کار نیست که از این ابزار نظارتی به عنوان یک وسیله روزمره استفاده کنند». این نماینده ادوار توضیح داد: «در آیین‌نامه داخلی مجلس موارد متعددی برای اعمال نظارت وجود دارد و اگر این ابزارها به درستی مورد استفاده قرار گیرند، هیچ‌یک از مطالبات نمایندگان به استیضاح ختم نمی‌شود».نصیرپور «استیضاح» را در مثل حکم طلاق دانست و اضافه کرد: «مثلا در زندگی خانوادگی در اولین اختلاف بحث طلاق را وسط نمی‌کشیم، پس بهتر است برای وزرای کابینه هم این زمان لازم داده شود و پیگیری‌های قبلی انجام شود؛ در نهایت استیضاح را به عنوان راهکار آخر مورد استفاده قرار دهیم. پس از آنجایی که از نظر زمانی وزرا هنوز فرصت لازم را نداشته‌اند که خودشان را ثابت کنند، نمایندگان نباید دراین‌باره عجله کنند». نایب‌رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس هشتم با تأکید بر اینکه «مشکلاتی در نظامات مدیریتی ما وجود دارد و نمی‌توانیم این مشکلات را انکار کنیم»، تصریح کرد: «بنابراین به نظر من گذشت کمتر از یک سال از زمان مدیریت یک وزیر، زمان مناسبی برای بررسی عملکرد و استیضاح او نیست؛ چراکه زمان کافی و لازم را نداشته است تا به برنامه‌هایش جامه عمل بپوشاند». این سیاست‌مدار اصلاح‌طلب در مخالفت با استیضاح وزرای دولت سیزدهم در زمان کمتر از یک سال، تأکید کرد: «ما باید موضوع را اصولی و اساسی پیگیری کنیم. سؤال اینجاست که آیا مشکلات فعلی کشور صرفا ناشی از عملکرد وزیر و وزارتخانه تحت اداره اوست یا مشکلات ساختاری و بیرونی و داخلی دیگری وجود دارند که بر رفتار وزارتخانه تأثیر دارند؟». نصیرپور اضافه کرد: «در واقع شرایط بین‌المللی و اقتصادی حاکم بر بازار و روابط ما با سایر کشورها همگی از عواملی هستند که بر عملکرد وزارتخانه‌ها اثر دارند. پس اگر این موارد را در نظر نگیریم، انصاف را رعایت نکرده‌ایم». او بیان کرد: «من به شخص وزیر فعلی صمت کاری ندارم و حرفم ناظر به واقع‌بینی شرایط کشور است. دولت هنوز زمان لازم را سپری نکرده، اصلاحات ساختاری نداشته و شرایط بین‌المللی ما تغییری نکرده است. تکالیف متعددی هم در قوانین عادی و روزمره قوانین بودجه به وزارتخانه‌ها تکلیف می‌کنیم که تهیه سازوکار آنها بسیار زمان‌بر است. اما همه ناکارآمدی‌ها را به وزیر و وزارتخانه تحت امرش ارتباط می‌دهیم». این نماینده ادوار مجلس در ادامه گفت: «اکنون که بحث استیضاح وزرا در مجلس داغ است، صرف‌نظر از اینکه مجلسی‌ها درخواست استیضاح را پس می‌گیرند یا نمی‌گیرند، استیضاح انجام بشود یا نشود، بد نیست نمایندگان صادقانه جواب بدهند چقدر آقای فاطمی‌امین را می‌شناختند که به او برای وزارت صنعت، معدن و تجارت رأی اعتماد دادند؟». نصیرپور ادامه داد: «اگر او را می‌شناختند و مناسب وزارت صمت می‌دانستند، پس باید زمان لازم را به او بدهند بعد عملکردش را به نقد بکشند. اما اگر کوچک‌ترین اشتباهی در رأی اعتماد رخ داده که ناشی از عدم شناخت از عملکرد و توانایی او یا هر شاخصه دیگری بوده است، باید مجلس پاسخ‌گوی رأی اعتماد خود به او یا سایر وزرای ضعیف که این روزها صحبت از استیضاح آنها مطرح است، باشد». این نماینده اصلاح‌طلب مجلس هشتم همچنین بیان کرد: «آیا مجلس مسئولیت مشترکی در دادن رأی اعتماد به وزرا در شرایط فعلی دارد یا ندارد؟ درباره مسئولیت این بخش چه کسی پاسخ‌گو است؟».این سیاست‌مدار اصلاح‌طلب در پیشنهادی به قالیباف گفت: «رئیس محترم مجلس یازدهم با تمرکزی که این روزها روی موضوع استیضاح و موارد متعدد حوزه عملکردی مجلس دارند، بهتر است برای پاسخ‌گوکردن نمایندگان راهی پیدا کنند و مکانیسمی را تعریف کنند که اگر مسجل شد تصمیم نماینده مجلس اشتباه بوده است، هزینه‌اش را خود او بپردازد». نصیرپور موضوع دیگری را که بر شرایط امروز کشور و وزارت صمت اثر داشته است «گستردگی و تنوع مأموریت‌هایی» دانست که به این وزارتخانه سپرده شده است.

پرونده

«شرق» روند مذاکرات احیای برنامه جامع اقدام مشترک در دوحه را در گفت‌وگو با ۳ کارشناس بررسی کرد

برجام، بدون راه‌حل جایگزین

عبدالرحمن فتح‌الهی: اگرچه با سفر هفته گذشته جوزف بورل، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، به ایران و آغاز مذاکرات غیرمستقیم تهران - واشنگتن در دوحه، امیدها برای احیای برجام پررنگ شد؛ اما نهایتا شکست مذاکرات دوروزه قطر را هم شاهد بودیم تا کماکان سرنوشت احیای برجام در ابهام باقی بماند. دراین‌بین وضعیت مشترک نشست وین و دوحه نشان داد که اختلافات ایران - آمریکا به قدری عمیق و پیچیده است که به این زودی‌ها احیای برجام و لغو تحریم‌ها محقق نخواهد شد. با وجود آنکه طرفین بعد از مذاکرات وین از لزوم تداوم گفت‌وگوها سخن گفتند و به موازات آن مجید تخت‌روانچی، سفیر و نماینده دائم ایران در سازمان ملل، در نشست شورای امنیت درباره اجرای قطع‌نامه ۲۲۳۱ و برجام اظهار کرد: «ایران به دیپلماسی چندجانبه متعهد است که نتیجه آن باید تضمین‌کننده لغو مؤثر و قابل راستی‌آزمایی همه تحریم‌های غیرقانونی باشد»؛ اما کماکان طرفین توپ شکست مذاکرات را در زمین همدیگر می‌اندازند؛ بنابراین آن‌گونه که از ظواهر امر پیداست، به نظر نمی‌رسد که برگزاری نشست‌های بعدی هم بتواند گره کار را باز کند. پس با وجود اخباری از جانب بلومبرگ مبنی بر احتمال ازسرگیری مذاکرات غیرمستقیم برجامی میان ایران و آمریکا با تسهیلگری اتحادیه اروپا پس از سفر جو بایدن به خاورمیانه هم نمی‌توان به رفع اختلافات فی‌مابین امید چندانی داشت. البته دراین‌بین تحلیل‌ها و ارزیابی‌های مختلف و متنوعی درباره تغییر محل مذاکرات از وین به دوحه نیز در فضای سیاسی و رسانه‌ای داخلی، منطقه‌ای و جهانی ارائه شد. در همین زمینه برخی برگزاری نشست در قطر را گامی مثبت برای رسیدن به توافق در نظر گرفتند و برخی هم تأکید داشتند این تغییر محل مذاکرات نمی‌تواند مثبت و سازنده باشد؛ کمااینکه نهایتا خروجی نشست دوحه هم به بن‌بست وین انجامید. با این حال بسیاری معتقدند باید اهمیت ویژه‌ای برای بازشدن پای قطر به مذاکرات هسته‌ای قائل بود و حضور دوحه، چه در قالب میانجیگر یا تسهیلگر یا میزبان مذاکرات را به دقت مورد واکاوی قرار داد؛ چراکه پیرو این نکته این سناریو وجود دارد که دوحه در راستای ریل‌گذاری واشنگتن سعی دارد وضعیت پرونده هسته‌ای را در جهت منافع ایالات متحده آمریکا پیش ببرد و برخی هم معتقدند به دلیل برگزاری مسابقات جام جهانی در قطر، این کشور سعی دارد با حل‌وفصل پرونده هسته‌ای و ایجاد ثبات و امنیت نسبی در منطقه خاورمیانه، شرایطی را فراهم کند که میزبانی این رویداد مهم با کمترین هزینه انجام شود. حال اینکه چه عواملی، چه بازیگرانی و چه دلایلی باعث شکست مذاکرات دوحه شد، موضوع گفت‌وگوی «شرق» با تنی از سفرا، کارشناسان، تحلیلگران و ناظران است که از ابعاد مختلف موضوع را بررسی کردند تا به درکی درست، عمیق و همه‌جانبه از آنچه در مذاکرات دوروزه قطر گذشت، نائل آییم.

بررسی نقش دوحه در مذاکرات احیای برجام در گفت‌وگوی «شرق» با سفیر پیشین ایران در قطر

قطر، دوست یا رقیب؟

اگرچه نشست دوروزه و البته غیرمستقیم ایران و آمریکا با میزبانی قطر نهایتا نتیجه و خروجی مثبتی به دنبال نداشت و کماکان آینده برجام در ابهام به سر می‌برد، اما بسیاری نقش دوحه و میزبانی این کشور از مذاکرات هسته‌ای را مهم‌تر از نشست مذکور دانسته‌اند. در این راستا طیفی از کارشناسان و تحلیلگران با یک ارزیابی مثبت، نقش‌آفرینی قطر را اقدامی سازنده تلقی می‌کنند و در مقابل برخی هم تغییر مکان مذاکرات از وین به دوحه را با عینک بدبینی ارزیابی می‌کنند و در این رابطه معتقدند قطر با بهانه میانجیگری، تسهیلگری یا میزبانی از مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا عملا خود را به گفت‌وگوهای هسته‌ای تحمیل کرده است که در ادامه می‌تواند مسیری برای دخالت‌های هرچه بیشتر دوحه ایجاد کند. پیرو این دو نگاه بود که «شرق» برای بررسی هرچه بیشتر و دقیق‌تر دلایل، منافع و اهداف قطر از نقش‌آفرینی در مذاکرات هسته‌ای سراغ «محمدطاهر ربانی» رفت. آنچه در ادامه می‌خوانید ماحصل گفت‌وگو با سفیر پیشین ایران در قطر، سفیر و نماینده تام‌الاختیار جمهوری اسلامی ایران در واتیکان و کارشناس ارشد حوزه معاونت عربی، خاورمیانه و مشترک‌المنافع است تا ارزیابی و نگاهش را دراین‌باره و نیز آینده مذاکرات جویا شویم.

◆ فارغ از نتیجه نشست دو روزه دوحه بسیاری تغییر مکان مذاکرات احیای برجام از اتریش به قطر را از ابعاد مختلف حائز اهمیت می‌دانند. در این رابطه دو دیدگاه وجود دارد؛ برخی بر این باورند که دوحه به‌واسطه میزبانی جام جهانی و سرمایه‌گذاری‌های کلان دیپلماتیک، اقتصادی، تجاری و... به دنبال آن است که تا زمان برگزاری این رویداد مهم نوعی ثبات را در کل منطقه خاورمیانه و به‌خصوص در حوزه خلیج فارس ایجاد کند؛ ازاین‌رو می‌کوشد با میانجیگری یا تسهیلگری به احیای برجام و رفع تنش تهران - واشنگتن کمک کند. اما در مقابل برخی معتقدند قطر اساسا به دنبال تداوم تنش «مدیریت»شده بین ایران و ایالات متحده است تا بتواند در گرو این وضعیت متشتت و پیچیده منافع خود را به‌خصوص در حوزه‌های اقتصادی و انرژی کسب کند، کمااینکه در کشاکش اعمال تحریم‌های آمریکا و محدودیت عملکرد دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی ایران، قطری‌ها قراردادهای بسیار گسترده‌ای با شرکت‌های توتال فرانسه، اکسون‌موبیل و کونوکو فیلیپس آمریکا، انی ایتالیا و... برای توسعه میدان‌های گازی در دستور کار قرار داده‌اند و در این رابطه نیم‌نگاهی جدی به منابع و میدان‌های گازی مشترک با ایران به‌خصوص پارس جنوبی (گنبدشمالی) هم دارند. حال به باور شما قطر را باید دوست ایران در نظر گرفت یا رقیب؟

اگرچه در تحولات منطقه‌ای و جهانی همه کشورها به دنبال منافع خود هستند، بااین‌حال من اساسا دیدگاهی منفی نسبت به تحرکات دیپلماتیک قطری‌ها به‌خصوص در قبال جمهوری اسلامی ایران با محوریت پرونده هسته‌ای ایران و میزبانی اخیر دوحه از مذاکرت تهران - واشنگتن ندارم.

◆ ولی جناب ربانی واقعیات جاری و نیز عمق و بطن تکاپوهای دوحه چیز دیگری را نشان می‌دهد؟

ببینید قطری‌ها طی یک دهه اخیر یک پوست‌اندازی جدی را در حوزه سیاست خارجی تجربه کرده‌اند. دوحه در سایه این پوست‌اندازی سعی می‌کند به یک وزن و جایگاه مهم دیپلماتیک در منطقه و جهان دست پیدا کند. در این رابطه تحریم برخی از همسایگان قطر با محوریت عربستان سعودی و تحمیل ۱۳ شرط از جانب ریاض به دوحه برای متزلزل‌کردن جایگاه قطر سبب شد دوحه دیپلماسی هوشمند، منعطف و در عین حال پویا و همه‌جانبه‌ای را در دستور کار قرار دهد که بیشترین سود و کمترین هزینه را داشته باشد. همین پوست‌اندازی دیپلماتیک، هم در دیپلماسی عمومی، هم در دیپلماسی انرژی و هم در سایر ابعاد و شئون دیپلماسی قطری‌ها به شکل جدی بروز و ظهور پیدا کرد. در همین راستا دوحه برنامه جدی برای پیگیری روابط متوازن، عمیق و جامعی را با تمام همسایگان خود و به‌خصوص جمهوری اسلامی ایران در نظر دارد.

◆ من در این رابطه خوش‌بین نیستم. واقعا دوحه چنین توان و تمایلی دارد؟

ببینید نکته مثبت قطر این است که با وجود آنکه کشوری بسیار کوچک است، اما از نظر مدیریت سیاست خارجی و از نظر سابقه برخورداری از حسن شهرت به جایگاهی رسیده است که سعی دارد از این جایگاه نوین خود برای بازکردن فضای دیپلماسی در داخل قطر نهایت استفاده را ببرد. به همین دلیل قطری‌ها این جرئت را در خود پیدا کرده‌اند که بتوانند در پرونده‌های حساس و مهم منطقه‌ای و جهانی نقش یک میانجیگر یا تسهیلگر را ایفا کنند.

◆ هوشمندی یا فرصت‌طلبی؟

من آن را هوشمندی می‌دانم. برای پی‌بردن به هوشمندی قطری‌ها کافی است که به جنگ یمن نگاه کنیم. دوحه در ابتدا از حامیان تجاوز بود، اما خیلی زود مسیر خود را از سعودی‌ها جدا کرد، چراکه می‌دانست جنگ یمن به باتلاقی برای کشورهایی مانند عربستان، امارات و سایر کشورها و حتی خود قطر بدل خواهد شد؛ ازاین‌رو پای خود را از جنگ یمن بیرون کشیدند. واقعیت امر آن است که قطری‌ها بعد از اتفاقات سخت، تحریم‌های عربستان و شرایطی که در منطقه برای آنها پیش آمد، به یک پختگی سیاسی و دیپلماتیک رسیده‌اند؛ بنابراین سعی دارند دیپلماسی هوشمند، منعطف و همه‌جانبه را با همه کشورهای منطقه و جهان در دستور کار قرار دهند.

◆ درخصوص ایران چطور؟ این دیپلماسی هوشمند، منعطف و همه‌جانبه دوحه درخصوص تهران هم صدق می‌کند؟

اتفاقا این دیپلماسی بیشتر از سایر همسایگان قطر در رابطه با ایران نمود پررنگ‌تری پیدا کرده است.

◆ چرا؟

چون در اثنای تحریم‌ها و فشار همه‌جانبه همسایگان قطر، این جمهوری اسلامی ایران بود که مرزهای زمینی، هوایی و دریایی خود را به روی دوحه باز کرد و از قطر حمایتی همه‌جانبه به عمل آورد. این مسئله یک نقطه عطف در روابط دوحه - تهران بود که تاکنون هم ادامه دارد؛ بنابراین به باور من دوحه با حسن ظن و با نیت کمک به برون‌رفت ایران و آمریکا از این بن‌بست در احیای برجام سعی کرده است با میزبانی از مذاکرات غیرمستقیم تهران - واشنگتن به نوعی نقش میانجیگر یا تسهیلگر را ایفا کند تا هرچه زودتر شاهد احیای برجام و رفع تنش و تخاصم باشیم.

◆ اگرچه تحلیل‌ها و ارزیابی‌های مختلفی وجود دارد؛ ولی از نگاه شما به واقع چرا قطر سر از پرونده هسته‌ای ایران درآورده است؟

احیای برجام تا اندازه‌ای به رفع نگرانی‌های قطر و افزایش امنیت منطقه‌ای کمک می‌کند و این یکی از دلایل نقش‌آفرینی قطری‌ها در مذاکرات هسته‌ای و میزبانی از گفت‌وگوهای غیرمستقیم ایران و آمریکاست؛ بنابراین مذاکرات هسته‌ای، چه در دوحه قطر، چه در وین اتریش یا هر شهر و کشور دیگری باید یک جا به نتیجه برسد. به‌همین‌دلیل کشورهای حاشیه خلیج فارس، اعراب و دیگر همسایگان ایران بارها درخواست داشتند که به‌عنوان میانجیگر، تسهیلگر یا میزبان مذاکرات هسته‌ای نقش‌آفرینی داشته باشند تا بتوانند به خروج هرچه سریع‌تر از این بن‌بست و کمک به بهبود امنیت منطقه‌ای جهانی که در نهایت به ارتقای امنیت خود آنها خواهد انجامید، کمک کنند. ازاین‌رو تغییر مکان مذاکره از وین به دوحه نوعی چراغ سبز جمهوری اسلامی ایران و حسن نیت تهران برای واردکردن بازیگران منطقه‌ای به پرونده مذاکرات هسته‌ای بود تا بتوانند به اندازه خود در حل‌وفصل آن نقش‌آفرین باشند.

◆ با توجه به نکاتی که عنوان کردید و دیپلماسی هوشمند دوحه به نظر می‌رسد که اکنون قطر، هم به دنبال گرفتن نقش عمان در مذاکرات هسته‌ای و میانجیگری تنش ایران و ایالات متحده آمریکاست و هم در دیگر سو سعی دارد در مذاکرات تهران - ریاض با مرکزیت بغداد هم نقش‌آفرینی داشته باشد تا بتواند بیش‌ازپیش نقش و وزن دیپلماتیک خود را در صحنه منطقه‌ای و جهانی افزایش دهد. با این اوصاف قطر را باید مرکز ثقل حاشیه خلیج فارس تلقی کرد؟

همان‌گونه که در پاسخ به سؤال نخست اشاره کردم، هر کشوری در تحولات، منازعات و کشمکش‌های منطقه‌ای و جهانی سعی می‌کند رفتار و سیاستی را اتخاذ کند که بیشترین منفعت و درعین‌حال کمترین هزینه را برایش به دنبال داشته باشد. در چنین شرایطی قطر هم تلاش دارد در سایه همان دیپلماسی هوشمند، منعطف و همه‌جانبه‌ای که اشاره کردم، به‌خصوص با همسایگان خود رفتاری را بروز دهد که ضمن توازن‌بخشی با قدرت‌های منطقه‌ای مانند جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی بتواند منافع خود را هم تأمین کند؛ پس اگرچه عربستان سعودی، امارات متحده عربی، بحرین و... در سال‌های اخیر با تحریم و بستن مرزهای خود بر روی قطر چالش‌ها و فشارهای جدی را برای دوحه ایجاد کردند؛ اما اکنون قطر سعی می‌کند با پختگی دیپلماتیک شرایط را به سمتی پیش ببرد که علاوه بر احیای هرچه بهتر روابط با این کشورها بتواند وزن، جایگاه و نفوذ خود را هم در میان آنها افزایش دهد. به‌همین‌دلیل روابط خود را با جمهوری اسلامی ایران نیز به صورت موازی تقویت می‌کند تا از پتانسیل‌های بالقوه و بالفعل هر دو طرف به نحو شایسته‌ای در راستای منافع خود استفاده کند. این یک هوشمندی سیاسی است.

◆ اجازه دهید بی‌پرده و صریح تحلیل شما را زیر سؤال ببرم، از این بابت که بسیاری معتقدند تغییر مکان مذاکره از وین به دوحه قطعا به معنای چراغ سبز و آغاز مسیری برای دخالت کشورهای حاشیه خلیج فارس در مذاکرات خواهد بود؛ آن هم در شرایطی که اعضای شورای همکاری خلیج فارس عملا در بیانیه‌های خود بارها خواستار حضور مستقیم در گفت‌وگوهای وین و گنجاندن ملاحظات و نگرانی‌های غیرهسته‌ای آنان با محوریت توان دفاعی و نفوذ منطقه‌ای در گفت‌وگوها بوده‌اند. غیر از این است؟

قبل‌تر گفتم واکنش مثبت جمهوری اسلامی ایران برای نشست دوحه اقدامی مثبت بود؛ چون کشورهای همسایه ایران هم سعی دارند برای تقویت امنیت منطقه‌ای به حل‌وفصل زودتر این مذاکرات کمک کنند؛ پس قطر هم با حسن نیت میزبان مذاکرات غیرمستقیم دوروزه ایران و آمریکا بود. البته پیش‌تر از آن شاهد سفر امیر قطر به آمریکا و تلاش برای ایفای نقش دوحه در تنش تهران - واشنگتن با هدف استفاده از فرصت‌های دو طرف (ایران و آمریکا) در راستای منافع قطری‌ها بودیم؛ بنابراین در این مسئله نمی‌توان شک کرد که دوحه به دنبال منافع خود است و من در سؤالات قبلی به آن تأکید داشتم؛ اما این نگاه لزوما به معنای آن نیست که قطری‌های یا دیگر بازیگران نقش مخربی در پرونده فعالیت‌های هسته‌ای یا مذاکرات خواهند داشت.

◆ به چه دلیل چنین باوری دارید؟

چون اگر قطر بخواهد مذاکرات را با نقش منفی و مخرب خود دچار چالش یا توقف کند، بیش و پیش از همه آثار و عواقب آن دامن خود این کشورها را خواهد گرفت. به هر حال در پاسخ به سؤالات قبلی اشاره کردم که حل‌وفصل هرچه سریع‌تر پرونده مذاکرات و احیای برجام در وهله اول به امنیت منطقه و امنیت خود این کشورها خواهد انجامید؛ بنابراین باید با یک نگاه مثبت و حسن نیت به میزبانی و میانجیگری قطری‌ها، عمانی‌ها، عراقی‌ها و... نگاه کرد. ضمن اینکه ما پیش‌تر از این هم شاهد نقش‌آفرینی کشورهایی مانند عمان در مذاکرات هسته‌ای بوده‌ایم که توانست با نقش مثبت خود به حل‌وفصل تنش‌ها کمک کند.

◆ قدری هم روی دیپلماسی انرژی تمرکز کنیم. همان‌گونه که در سؤال نخست اشاره شد، قطری‌ها به واسطه تحریم‌های ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی نهایت سوءاستفاده را در توسعه منابع گازی از میدان‌های مشترک با ایران برده‌اند. حال با توجه به این شرایط نباید در حسن نیت قطری‌ها شک کرد؟ به‌هرحال حضرتعالی سفیر جمهوری اسلامی در قطر بودید و به‌خوبی از نزدیک با سیاست‌های دوحه آشنایی دارید؟

اتفاقا یکی از ابزارهایی که باعث شده قطر بتواند به پختگی سیاسی و دیپلماتیک حال حاضر دست پیدا کند، برخورداری از منابع انرژی به‌خصوص در حوزه گازی است. در کنار این مسئله، بروز و ظهور برخی تحولات و تنش‌ها مانند جنگ اوکراین نیز این فرصت ویژه را در اختیار دوحه قرار داده که جای روس‌ها را برای تولید و صادرات انرژی به اروپا بگیرد. به همین دلیل است که قراردادهای کلان با چهار شرکت اروپایی و آمریکایی بسته است تا بتواند ظرفیت تولید و صادرات گاز را افزایش دهد. به تبع همین هوشمندی دیپلماتیک، طبیعتا قطری‌ها در راستای منافع خود سعی می‌کنند در شرایطی که جمهوری اسلامی ایران با تحریم‌های آمریکا دست‌وپنجه نرم می‌کند از منابع و میدان‌های گازی مشترک با ما نیز نهایت استفاده یا به نحوی سوءاستفاده را ببرند. اما این رفتارها لزوما به معنای آن نیست که جمهوری اسلامی چشم خود را بر روی رفتارهای قطر خواهد بست؛ یعنی این شرایط نمی‌تواند باعث شود قطر از بحران پیش‌آمده برای ایران در راستای منافع خود سوءاستفاده کند. شاید قطر بتواند در گرو جنگ اوکراین، با استفاده از ظرفیت قراردادی خود با شرکت‌های اروپایی و آمریکایی، ظرفیت درخور توجهی برای تولید و صادرات گاز به اروپا بر جایگزینی روس‌ها پیدا کند، اما این رفتار توجیه‌کننده آن نیست که دوحه بخواهد از میدان‌های گازی با جمهوری اسلامی ایران در راستای منافع خود سوءاستفاده کند. قطعا تداوم و تشدید این سیاست‌های اشتباه قطر می‌تواند واکنش جدی تهران را به دنبال داشته باشد؛ چراکه ایران هم نمی‌تواند در قبال نادیده‌گرفتن منافع و تاراج منابع خود سکوت کند. قرار نیست رفتار مثبت و سازنده قطر در مذاکرات هسته‌ای و میزبانی از گفت‌وگوهای غیرمستقیم ایران و آمریکا و دیگر تلاش‌های میانجی‌گرایانه یا تسهیل‌گرایانه قطری‌ها سبب شود ایران چشم خود را بر دیگر رفتارهای غلط دوحه ببندد. بنابراین اگرچه من در پاسخ به سؤالات قبلی شما نگاه مثبت و حسن نیت به رفتارهای قطر داشتم، اما این لزوما به معنای آن نیست که ما همه رفتارهای قطری‌ها را تأیید کنیم. اتفاقا یکی از مقولاتی که جای نگرانی و انتقاد بسیار دارد، همین سوءاستفاده از منابع گازی مشترک است و باید جمهوری اسلامی ایران در مناسبات خود با قطری‌ها این مسئله را به‌جد پیگیری کند. به هر حال باید سهم ایران در میدان‌های گازی مشترک حفظ شود و قطر اجازه دست‌اندازی به آنها را ندارد.

◆ جناب ربانی آیا آن‌گونه که مطرح است، قطر با این قراردادها می‌تواند به هاب جهانی برای تولید و صادرات گاز بدل شود؟

من بعید می‌دانم قطر حتی با این قراردادها به هاب تولید و صادرات گاز در جهان بدل شود. همان‌گونه که پیش‌تر گفتم، به واسطه جنگ اوکراین یک فرصت ویژه، استثنائی و کم‌نظیر در اختیار قطر قرار گرفته است که ظرفیت خود را برای تولید و صادرات گاز به اروپا افزایش دهد. اکنون اروپایی‌ها و آمریکا به کشورهای جایگزین برای تولید و صادرات انرژی به‌خصوص در حوزه گازی نیاز جدی دارند و قطر هم به دنبال بهره‌برداری هرچه بهتر از این فضاست، اما این نکته به معنای آن نیست که قطر می‌تواند به هاب تولید و صادرات گاز جهانی بدل شود. نکته مهم‌تر اینجاست که این مسئله نشان می‌دهد قطر باید یک تجدیدنظر جدی در رفتارهای خود با جمهوری اسلامی ایران در حوزه دیپلماسی انرژی داشته باشد.

◆ چطور؟

به هر حال همان‌گونه که در در بخش‌های قبلی این گفت‌وگو اشاره شد، میدان‌های گازی مشترک بزرگی بین ایران و قطر وجود دارد. اگر قطری‌ها با حسن نیت به دنبال تعامل و ارتقای روابط در حوزه دیپلماسی انرژی با جمهوری اسلامی باشند، می‌توانند از ظرفیت دو کشور برای بهره‌برداری از منابع گازی در راستای منافع طرفین بهترین استفاده را ببرند و این نگاه مثبت به افزایش ظرفیت تولید و صادرات گازی قطری‌ها نیز کمک چشمگیری خواهد کرد. باید شرایطی به وجود آید که نفت و گاز جمهوری اسلامی ایران به بازار جهانی بازگردد، ولی متأسفانه در این شرایط اروپایی‌ها و آمریکا اتکای جدی به قطر دارند. بااین‌حال، دوحه در راستای همان سیاست خارجی و دیپلماسی هوشمند، منعطف و همه‌جانبه باید جایگاه، ظرفیت و پتانسیل ایران را هم در نظر بگیرد و از رفتارهای اشتباه و به نوعی تک‌روی در حوزه دیپلماسی انرژی و سوءاستفاده از منابع مشترک با جمهوری اسلامی ایران پرهیز کند. این رفتار یک رفتار مخرب و تنش‌زاست که باید هرچه زودتر متوقف شود. من باز هم در این گفت‌وگو با شما تأکید می‌کنم که جمهوری اسلامی ایران باید در دیپلماسی انرژی و دیپلماسی عمومی این مهم را به طرف قطری گوشزد کند. ما نباید به واسطه رفتارهای مثبت و سازنده قطر در حل‌وفصل پرونده فعالیت‌های هسته‌ای و مذاکرات، چشم خود را بر روی دیگر رفتارهای غلط دوحه ببندیم و به نوعی دچار رودربایستی دیپلماتیک با قطری‌ها شویم. منافع جمهوری اسلامی و منابع و ثروت مردم ایران چیزی نیست که بخواهیم بر سر آن با هیچ کشوری تعارف کنیم. البته جا دارد این نکته را هم گوشزد کنم که اگرچه قطری‌ها اخیرا با شرکت توتال فرانسه، شرکت انی ایتالیا یا اکسون‌موبیل آمریکا قراردادهای بلندمدت و گسترده‌ای بسته‌اند، اما آن‌گونه که قبلا اشاره کردم، در راستای همان سیاست خارجی هوشمند، دست‌اندازی به منابع گازی مشترک با ایران را کلید نخواهند زد؛ چراکه قطر یک کشور آسیب‌پذیر در منطقه است و نمی‌تواند در برابر یکی از قدرت‌های بلامنازع خاورمیانه یعنی ایران قد علم کند. بنابراین با وجود آنکه دوحه ذیل قراردادهای گسترده و بلندمدت خود با شرکت‌های اروپایی و آمریکایی به دنبال افزایش صادرات گاز در سایه جنگ اوکراین است، دوحه بدون شک ملاحظات تهران را هم در نظر خواهد داشت. بااین‌حال، تهران هم باید هشدارها و گوشزدهای لازم را داشته باشد.